

نسبت قدرت و هنر

قدرت هنر در ایجاد گستره فضای جدید در توسعه

اندیشگاه طرح هزاره – کارگروه هنر و توسعه

حامد زین العابدین قدیم



رئوس مطالب

چیستی قدرت

ماهیت قدرت در هنر

مالکیت قدرت در هنر

توزیع قدرت در هنر

نظارت بر قدرت در هنر

چیستی قدرت

- توانایی ایجاد و یا ممانعت از تغییر
- توانایی تصمیم گیری برای تخصیص منابع و تعیین رفتارهای فردی و جمعی
- قدرت یعنی ترکیب ظرفیت، توانایی و تمایل به عمل



چیستی قدرت

- ظرفیت به معنای تسهیلات و امکانات برای تولید، اجرا و به کارگیری است. به بیان دیگر ظرفیت به معنای در اختیار داشتن منابع برای انجام یک کار است.
- توانایی به معنای مهارت و شایستگی برای انجام یک کار است.
- تمایل، وجهه بیرونی قدرت است. زمانی که ظرفیت و توانایی فراهم باشد، آن زمان، تمایل به انجام یک کار میتواند به محقق شدن آن تمایل منجر شود.



چیدستی قدرت

- مرجع قدرت اجبار بیرونی - قدرت نظامی و خشونت فیزیکی
- مرجع قدرت اجبار درونی - ترس و پذیرش ذهنی برتری قدرتمند
- تفویض اقتدار و اختیار افراد در جامعه به دیگر یا دیگران برای تخصیص منابع و اعمال قانون

چیستی قدرت

فرنچ و راون (۱۹۵۹) پنج دسته از منابع قدرت را بر می شمارند:

- قدرت مشروع ناشی از موقعیت فرد یا گروهی از افراد در یک ساختار اجتماعی است و این موقعیت امکان اعمال قدرت را برای فرد یا گروه مربوطه فراهم میکند.
- قدرت مرجعیت که به واسطه ایجاد وفاداری در افراد نسبت به یک فرد یا یک نحله فکری و یا مجموعه ای از عقاید فراهم میشود.
- قدرت تخصص که به واسطه تخصص یک فرد در ارتباط با یک مسئله برای او فراهم میگردد. ترکیب دانش و مهارت، توانایی فرد را برای شناسایی راهکار و هدایت دیگران برای حل مسئله ممکن میکند.
- قدرت پاداش، زمانی فراهم میشود که فرد بتواند با اجبار دیگری به پیروی از اراده خود، به او پاداش دهد.
- قدرت تهدید، زمانی فراهم میشود که فرد بتواند با اجبار دیگری به پیروی از اراده خود، به او پادافره دهد.

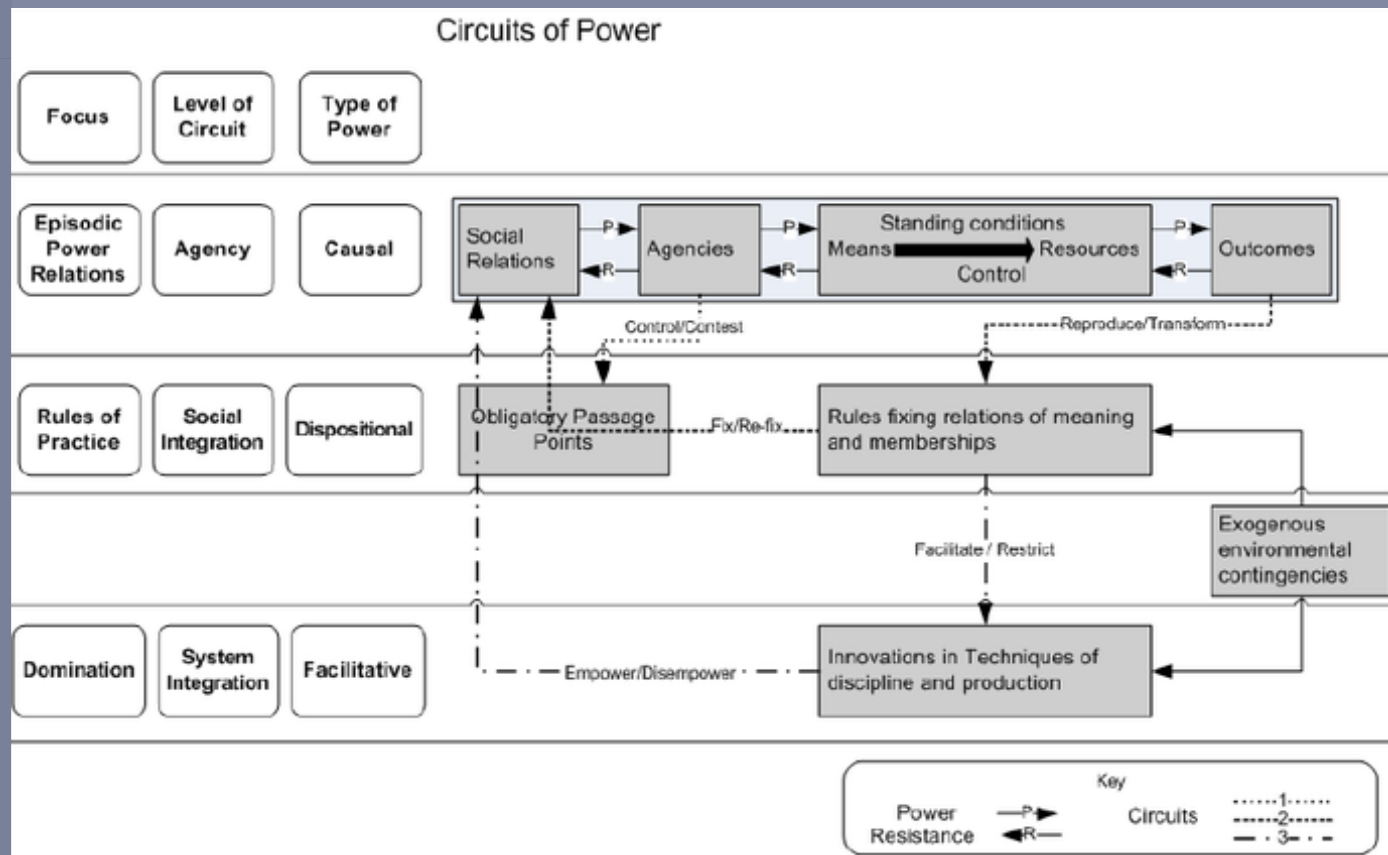
چیستی قدرت

استوارت کِلگ در تئوری مدارهای قدرت تبیینی از یه مدار قدرت را که یکی در سطح مایکرو و دو دیگر در سطح ماکرو هستند ارائه می نماید:

- مدار اپیزودیک که ناظر به تصمیمات فرد، روابط فردی روزانه اش، احساسات، تناقضات و مقاومت هایش در تعاملات روزمره اوست که نتایج مثبت یا منفی در بر خواهد داشت.

- مدار اختیار که مبین قوانین مرتبط با روابط اجتماعی و معانی برساخته شده توسط جامعه است و مشروعیت اقتدار و اختیار را مشخص میکند.

- مدار تسهیل گر که مرتبط با فناوری های سطح ماکرو، محیط کلان بیرونی و شبکه های ارتباطی است که به طور کلی میتواند موجب ناتوانی یا توانمندی افراد و آژانس ها در سطح مایکرو، مدار اپیزودیک بشوند.



چیستی قدرت

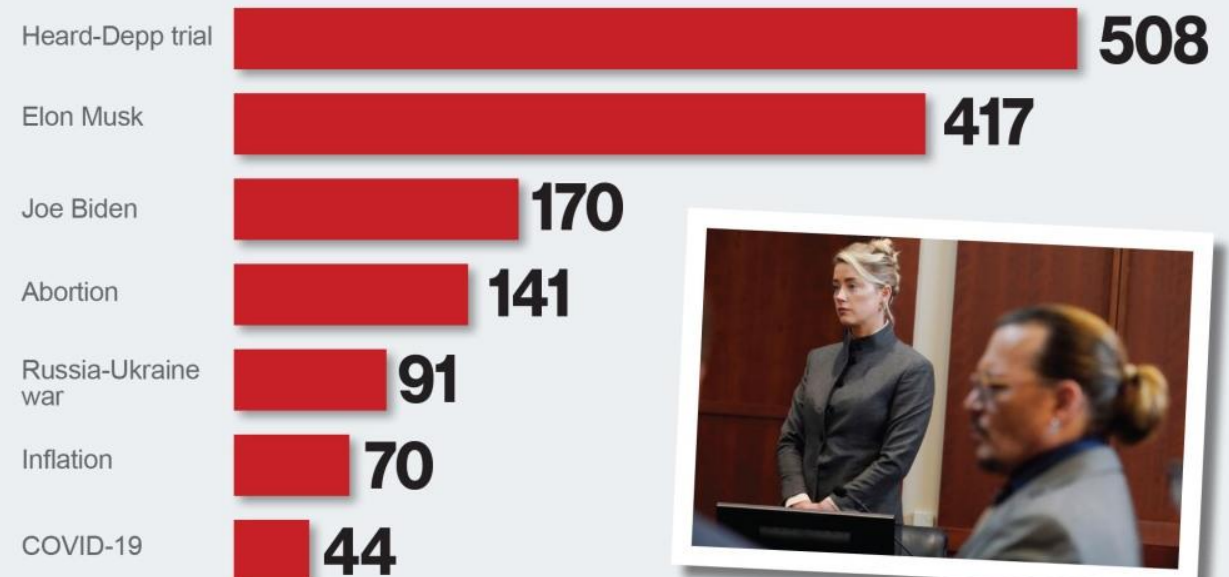
در عصر حاضر دو مرجع مهم دیگر قدرت وجود دارند که از اهمیت بالایی برخوردارند:

- قدرت اطلاعات
- قدرت جلب توجه عامه مردم

AMBER HEARD VS. JOHNNY DEPP - THE HEATED CIVIL TRIAL AND POLITICAL FASHION

In this story:
What Was the Role of Fashion at the Johnny Depp vs. Amber Heard Civil Trial?

Average number of social interactions per published article, by select topic



Click to add photo

ماهیت قدرت در هنر

- هنر میتواند بر پذیرش یا رد اجبار درونی - ترس و یا وفاداری - موثر باشد.
- هنر میتواند منتقد و یا مشوق اجبار بیرونی نیز باشد.
- هنر میتواند در تشویق و یا ممانعت از تفویض اختیار به فرد یا گروه نیز موثر واقع گردد.

ماهیت قدرت در هنر

- قدرت در هنر میتواند از جنس قدرت مرجعیت باشد و به این معنا، هنر میتواند بعنوان رقیبی برای سایر گروه های دارای قدرت مرجعیت تلقی گردد.

- هنر همچنین نقش مهمی را در مدار میانی، مدار اختیار، میان مدار اپیزودیک (حوزه فرد و گروه ها) و مدار تسهیل گری (حوزه دولت، نهادها و حاکمیت) ایفا می نماید.

ماهیت قدرت در هنر



- هنر اما مهمترین نقش را در جلب **توجه اجتماعی** ایفا میکند.
- هنر میتواند کانون توجه جامعه را به جهتی که میخواهد متمرکز نماید و از این رو میتوان گفت که هنر، یکی از مهمترین ابزارهای قدرت است.

مالکیت قدرت در هنر

- آیا هنرمند مالکیت بر قدرتی را که در اختیار دارد را نیز داراست؟
- به بیان دیگر، آیا هنرمند، در قبال قدرتی که در دست دارد، مسئولیتی اجتماعی دارد و در حقیقت، قدرت در اختیار او از نوع تفویضی، و متعلق به جامعه است؟
- آیا جامعه، نهادهای مدنی، و حاکمیت حق دارند تا هنرمند را موظف و متعهد به اهداف، نیازها و خواسته هایشان بدانند؟

ما مظلومانی نیازمند به کمک هستیم یا کودکانی ناتوان؟



قدرت هنرمند متعلق به اوست
یا به جامعه تعلق دارد؟

هنرمندان، توجهات اجتماعی را به دست
می آورند و بنابراین هنرمند، قدرتی به
دست می آورد که میتواند از آن بهره
بگیرد. اما مالکیت این قدرت از آن
کیست؟ عده ای معتقد هستند که این
قدرت متعلق به جامعه است. برخی نیز
آن را متعلق به هنرمند می دانند. این
موضوع از این جهت پیچیده است که هر
یک از دو عامل، یعنی شایستگی های
هنرمند و توجه جامعه به آن، در شکل
گیری این قدرت موثر بوده اند.

ما مظلومانی نیازمند به کمک
هستیم یا کودکانی ناتوان؟



قدرت هنرمند متعلق به اوست
یا به جامعه تعلق دارد؟

جامعه کودک و توسعه نیافته،
جامعه ای تکلیف محور است. در
چنین جامعه ای، به روابط و
اقدامات افراد، از منظر حقوق
شان نگاه نمیشود بلکه از منظر
تکالیف شان نگاه میشود.

در چنین جامعه ای، هر کس موظف است
تا کاری را انجام بدهد، اما کسی نمی
پرسد که او حق دارد، کدام کار را انجام
بدهد! مصدر این وظیفه، میتواند
حاکمیت در قدرت باشد. مثلا ورزشکار
ایرانی موظف است که در مقابل
اسرائیل انصراف بدهد. اما کسی نمی
پرسد که آیا او حق دارد یا نه.



ما مظلومانی نیازمند به کمک
هستیم یا کودکانی ناتوان؟



قدرت هنرمند متعلق به اوست
یا به جامعه تعلق دارد؟

مصدر این وظیفه میتواند، آنتی تز
حاکمیت نیز باشد. یعنی گروه مخالف
حاکمیت در قدرت، دیگری را موظف
میداند تا از ظرفیت تاثیرگذاری اش برای
او استفاده کند. رفتار والدمدارانه
حاکمیت در قدرت، در گروه حامی آنتی
تز حاکمیت بازتولید میشود.

قابل توجه هنربندان حکومتی

ایران به چین فروخته میشود

شماها نه تنها سکوت کردی، بلکه با سرگرم
کردن مردم به فروش ایران کمک کردی



ما مظلومانی نیازمند به کمک
هستیم یا کودکانی ناتوان؟

قدرت هنرمند متعلق به اوست
یا به جامعه تعلق دارد؟

وقتی نخبگان و طبقه متوسط اجتماعی از رویداد کن، و فرش قرمزش انتظار معجزه برای آبادانی ویرانی های آبادان و کشور دارند و از هنرمند انتظار انجام وظیفه اش! در واقع ما "حق" یک انسان برای انتخاب تجربه زیسته اش را به رسمیت نمی شناسیم. هنرمندی که پس از عبور از همه این مشکلات به نقطه ای رسیده که امکان تجربه زیستی ای را به عنوان یک انسان، مستقل از تاریخش، مستقل از جامعه اش، مستقل از وضعیت سیاسی کشورش، مستقل از هر چیز دیگری که غیر از اوست داشته باشد، حقی ندارد! او حالا یا مکلف است که صدای حاکمیت باشد و یا مخالفین حاکمیت در قدرت.



ما مظلومانی نیازمند به کمک هستیم یا کودکانی ناتوان؟



قدرت هنرمند متعلق به اوست یا به جامعه تعلق دارد؟



مذهب، سیاست، جامعه و خانواده بارهای سنگین بر دوش ما هستند. ما در هیچ یک از این نهادها، هرگز محق نیستیم بلکه موظفیم. راه‌هایی از وضع موجود، فهم اهمیت "حق" و پذیرش فردیت، بازتر شدن گستره آزادی‌های افراد و بلوغ یافتگی است. اما آنچه دیده می‌شود، نه در رسانه‌های حاکمیت در قدرت، و نه در رسانه‌های آنتی‌ت‌های حاکمیت در قدرت، که در بدنه گسترده‌ای از جامعه، ترجیح کودک‌مظلوم نیازمند توجه به جای انتخاب بالغ فعال مسئولیت‌پذیر است.

ما مظلومانی نیازمند به کمک هستیم یا کودکانی ناتوان؟



قدرت هنرمند متعلق به اوست
یا به جامعه تعلق دارد؟

ما مظلومانی نیازمند به کمک
هستیم یا کودکانی ناتوان؟



قدرت هنرمند متعلق به اوست
یا به جامعه تعلق دارد؟

اگر چه این مالکیت تنها متعلق به
هنرمند نیست اما، به اعتقاد من،
پذیرش فردیت انسان ها و
حقوق فردی آنها، یکی از
مهمترین مولفه ها در گذار به
مدرنیته است . تنها با پذیرش
فردیت انسان هاست که مفهوم
حق برای هر فرد معنا پیدا میکند
و بنابراین بلوغ یافتگی و توسعه
نیازمند این پذیرش است.

ما مظلومانی نیازمند به کمک
هستیم یا کودکانی ناتوان؟



قدرت هنرمند متعلق به اوست
یا به جامعه تعلق دارد؟

و همچنین نباید فراموش کنیم که
هنرمند نیز بعنوان یک فرد، مانند
سایر اعضای جامعه در قبال
جامعه اش، و در قبال امر
سیاسی و اجتماعی محق و البته
مسئول است. او نیز مانند دیگران
"محق" است تا در قبال مسائل
سیاسی و اجتماعی موضع داشته
باشد و اگر از امکاناتش برای
ایجاد تغییر بهره نگیرد، "مسئول"
نتایج آن است.

یادآوری مفهوم توسعه

توسعه در سطح فردی، فرایندی است که در طی آن مبانی فکری و فلسفی انسان سنتی تغییر کرده و با تغییر شناختی، او به **بلوغ** هستی شناسانه ای میرسد که پس از آن، او دیگر کودکی نیازمند و بی پناه و تحت تسلط طبیعت پیرامونی و والدهای طبیعی و انسانی و فرا طبیعی برای زیستن در این جهان نیست.

توسعه در سطح اجتماعی، فرایندی است که در آن جمعیت بزرگی از جامعه، فرایند توسعه فردی را **آگاهانه** طی میکنند که در نتیجه آن، جامعه متشکل از اعضای مسئول در قبال جامعه و جامعه ای **مسئول** در قبال اعضایش است که نتیجه مشارکت آنها به بهبود شرایط زیستی و افزایش کیفیت زندگی همه اعضای جامعه منجر میشود.

ما مظلومانی نیازمند به کمک
هستیم یا کودکانی ناتوان؟



قدرت هنرمند متعلق به اوست
یا به جامعه تعلق دارد؟

مالکیت قدرت در هنر

- بنابراین با چنین تبیینی از مفهوم توسعه، هنرمند دارای حقوقی فردی در خصوص مالکیت قدرت خود دارد که اگرچه آزادانه حق بهره‌گیری از آن را دارد اما استفاده از این قدرت آگاهانه و در قبال جامعه مسئولانه باید باشد.
- مانیفست هنر توسعه‌گرا بر آزادی‌ها و حقوق فردی همزمان با پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی تاکید دارد و بنابراین هنرمند را نه ابزار قدرت، که عامل قدرت و هنر را ابزاری در اختیار هنرمند، برای کسب قدرت و بهره‌گیری از آن میدانند.

مالکیت قدرت در هنر

- قدرت هنرمند توسعه گرا، در راستای افزایش آگاهی های اجتماعی، ایجاد انگیزش برای تحرک اجتماعی در راستای توسعه و جریان سازی به کار گرفته میشود که انتخاب شیوه و ابتکار عمل بهره گیری از این قدرت، توسط خود هنرمند روی میدهد.
- با اینهمه هنر توسعه گرا، موظف است تا به دو نکته اساسی در خصوص قدرت هنر بپردازد:

- شیوه توزیع قدرت - حصول اطمینان از توزیع عادلانه قدرت
- نظارت بر قدرت - پیشگیری از فساد


تقسیم قدرت

- ریشه‌های اصلی طرح این مبحث را می‌توان در کتاب سیاست (ارسطو) و نوشته‌های جان لاک در سده ۱۷ میلادی و در کتاب روح قوانین شارل دو مونتسکیو فیلسوف سیاسی قرن ۱۸ میلادی مشاهده نمود که آن را به عنوان یک وسیله و ابزار «اطمینان خاطر» جامعه مطرح می‌کند.
- مونتسکیو، بر اساس این فکر که هر صاحب قدرتی کششی به طرف سوءاستفاده از قدرت پیدا می‌کند، نتیجه‌گیری می‌نماید که برای جلوگیری از امکان سوءاستفاده، باید قدرت را تقسیم کرد.
- برای چگونگی این تقسیم، کافی است که وظایف و مسئولیت‌های یک حکومت را در نظر بیاوریم. این وظایف و مسئولیت‌ها سه نوع است:
 - وضع قانون، اجرای قانون، و حل و فصل اختلافات به موجب این قانون.
 - وی می‌گوید کافی است که هر یک از این وظایف به عهده سازمان مشخصی گذاشته شود تا حفظ حقوق شهروندان تضمین گردد.



توزیع قدرت در هنر

- اگرچه مونتسکیو توزیع و تقسیم قدرت را برای پیشگیری از تشکیل قدرت مطلقه و ممانعت از فساد ناشی از اختیار مطلق داشتن طرح نموده بود، اما این نگاه میتواند به ضرورت توزیع قدرت در میان گروه های مختلف اجتماعی نیز تسری پیدا کند.
- قدرت هنرمند، ناشی از میزان مرجعیت هنرمند در جامعه و متاثر و شایستگی ها، توانایی در جلب نظر عامه مردم و مهارت های برندسازی او میتواند باشد.
- شبکه های اجتماعی، رسانه ها و سرمایه گذاران در شکل گیری و هدایت تصورات عامه مردم و ایجاد سلايق عمومی بسیار موثرند و بنابراین بسیاری از هنرمندان صاحب شایستگی که میتوانند اثرگذاری اجتماعی در راستای توسعه داشته باشند، ممکن است امکان بروز و ظهور اجتماعی برای ایفای نقش را نیابند.



**مانیفست هنر توسعه گرامی باید
به منظور اطمینان از توزیع
عادلانه قدرت هنر، مکانیزم هایی
برای ایجاد فضای حمایتی از
هنرمندان مختلف که در راستای
توسعه اجتماعی فعال می باشند
را ایجاد نماید**

این مکانیزم ها شامل تشویق به ایجاد صندوق های سرمایه گذاری و بهره گیری از ظرفیت های شبکه های ارتباطی برای حمایت از هنرمندان نوظهور و کمتر شناخته شده که در راستای توسعه اجتماعی حرکت می نمایند می باشد.



نظارت بر قدرت

- نظارت بر قدرت، یکی از مهمترین ابزارها برای حصول اطمینان از سلامت قدرتمندان و به کارگیری قدرت آنها در راستای منافع اجتماعی است.
- اگرچه هنرمندان در بهره گیری از قدرت خود، له یا علیه هر عمل یا تفکری آزاد هستند، اما نقد مداوم آنها باعث میشود تا همواره در بهره گیری از قدرت خود در امور سیاسی و اجتماعی مسئولانه عمل نمایند.
- به بیان دیگر اگرچه هنرمند آزاد و محق است تا از قدرت خود بهره بگیرد، اما در قبال انتخاب خود و بازخوردهای اجتماعی نسبت به خود مسئول است و جامعه نیز محق است تا قدرت توجه خود را در صورت آنکه بداند او در راستای اهداف اجتماعی عمل نمیکند باز پس گیرد.

مانیفست هنر توسعه گر
ضمن پذیرش آزادی هنر
فردی و حق مالکیت
هنرمندان بر آثار و
اهداف خود احترام می
گذارد اما نقد مداوم
هنرمندان را ابزاری مهم
برای حفظ توجه هنرمندان
به نیازهای توسعه ای و
افزایش آگاهی های
اجتماعی نسبت به
اثرگذاری هنرمندان در
عرصه های سیاسی و
اجتماعی میدانند





با تشکر از توجه شما